

(وَ مِنْ كَلَامٍ لَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ) وَ قَدْ أَشَارَ عَلَيْهِ أَصْحَابُهُ بِالِاسْتِعْدَادِ لِحَرْبِ أَهْلِ الشَّامِ بَعْدَ إِرسَالِهِ جَرِيرَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْبَجَلِيِّ إِلَى مُعَاوِيَةَ: إِنَّ اسْتِعْدَادِي لِحَرْبِ أَهْلِ الشَّامِ وَ جَرِيرٌ عِنْدَهُمْ إِغْلَاقٌ لِلشَّامِ، وَ صَرَفٌ لِأَهْلِهِ عَن خَيْرٍ إِن أَرَادُوهُ، وَ لَكِن قَدْ وَقَّتْ لِحَرْبِهِ وَقْتًا لَا يُقِيمُ بَعْدَهُ إِلَّا مَخْدُوعًا أَوْ عَاصِيًّا، وَ الرَّأْيُ عِنْدِي مَعَ الْإِنَاءَةِ فَأَرُودُوا، وَ لَا أَكْرَهُ لَكُمْ الْإِعْدَادَ. وَ لَقَدْ ضَرَبْتُ أَنْفَ هَذَا الْأَمْرِ وَ عَيْنَهُ، وَ قَلْبْتُ ظَهْرَهُ وَ بَطْنَهُ، فَلَمْ أَرِ لِي إِلَّا الْقِتَالَ أَوْ الْكُفْرَ بِمَا جَاءَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ. إِنَّهُ قَدْ كَانَ عَلَى الْأُمَّةِ وَ آلِ أَحَدَثَ أَحْدَاثًا، وَ أَوْجَدَ لِلنَّاسِ مَقَالَ، فَقَالُوا نَمُّوا فَعَبَّرُوا.

علت درنگ در جنگ

واقع‌نگری در برخورد با دشمن

مهیا شدن من برای جنگ با شامیان، در حالیکه (جریر) را به رسالت به طرف آنان فرستاده‌ام، بستن راه صلح و باز داشتن شامیان از راه خیر است، اگر آن را انتخاب کنند. من مدت اقامت (جریر) را در شام معین کردم، که اگر تاخیر کند یا فریض دادند و یا از اطاعت من سر باز زده است. عقیده من اینکه صبر نموده با آنها مدارا کنید، گر چه مانع آن نیستم که خود را برای پیکار آماده سازید.

ضرورت جهاد با شامیان

من بارها جنگ با معاویه را بررسی کرده‌ام، و پشت و روی آن را سنجیده، دیدم راهی جز پیکار، یا کافر شدن نسبت به آنچه پیامبر (ص) آورده باقی نمانده است، زیرا در گذشته کسی بر مردم حکومت می‌کرد که اعمال او حوادثی آفرید

و باعث گفتگو و سر و صداهای فراوان شد، مردم آنگاه اعتراض کردند و
تغییرش دادند.